

[بررسی عبارت کفایه 1](#_Toc529018105)

[دفع اشکال مرحوم خویی : انحصار موارد حکومت در شارحیت 2](#_Toc529018106)

[مرحوم صدر : قوام حکومت به شارحیت 2](#_Toc529018107)

[مختار آخوند در رابطه امارات و اصول 2](#_Toc529018108)

[استثناء سوم از تعارض : جمع عرفی 3](#_Toc529018109)

[ملاک تقدیم در جمع عرفی : قرینیت 3](#_Toc529018110)

[موارد تعارض مستقرّ 3](#_Toc529018111)

**موضوع**: حکومت - جمع عرفی /تعارض غیر مستقر /تعارض ادله

**خلاصه مباحث گذشته:**

حاصل کلام مرحوم آخوند در بحث از رابطه ی میان امارات و اصول عملیه نقلی ، ابتنای بحث بر مفاد ادله اعتبار امارات شد که اگر قائل به جعل حکم مماثل یا جعل معذریّت و منجزیّت شدیم ، وجهی برای اثبات حکومت وجود ندارد زیرا نظری به دلیل اصل ندارند . و اگر قائل به جعل علمیت یعنی تتمیم کشف و الغاء احتمال خلاف شویم ، اماره حاکم بر اصل است .

# بررسی عبارت کفایه

ایشان عبارتی دارند که بیان محکمی برای اثبات حکومت در فرض پذیرش مبنا است : « و كيف كان ليس مفاد دليل الاعتبار هو وجوب إلغاء احتمال الخلاف تعبدا كي يختلف الحال – حال دلیل اماره از دلیل اصل – و يكون مفاده – دلیل اعتبار – في الأمارة نفي حكم الأصل ، حيث إنّه – احتمال خلاف – حكم الاحتمال – یعنی موضوع اصل است ، پس « اصل عملی » حکم احتمال خلاف است بنابراین اگر دلیل اعتبار اماره احتمال خلاف را الغاء کند ، بر آن حاکم است – بخلاف مفاده – دلیل اعتبار – فيه – اماره – ؛ لأجل أن الحكم الواقعي ليس حكم احتمال خلافه – خلاف اماره ، بلکه حکم احتمال وفاق است – كيف و هو حكم الشك فيه و احتماله فافهم و تأمل جيدا . » [[1]](#footnote-1)

نتیجه آنکه در صورت پذیرفتن تتمیم کشف،قول به حکومت نظر متقنی است؛زیرا دلیل اماره می گوید از آن جهت که احتمال صدق اماره وجود دارد، باید به آن عمل کرد و اماره علم است یعنی احتمال خلاف آن ملغی است؛ بنابراین موضوع اصل منتفی می شود . [[2]](#footnote-2) این دلالت دلیل هم دلالت لفظی است و نه استلزام عقلی . تنها مشکل آن است که اصل مبنا مقبول نمی باشد .

# دفع اشکال مرحوم خویی : انحصار موارد حکومت در شارحیت

با این تفسیر ، کلام مرحوم نایینی و اصفهانی و خویی ( رحمهم الله ) در مقام مندفع است . زیرا ایشان فرد دومی برای حکومت درست کردند که در آن یک دلیل موضوع دلیل دیگر را نفی می کند بدون این که شارحیتی لفظی نسبت به آن داشته باشد .[[3]](#footnote-3) اما مرحوم آخوند ثابت کرده اند در آن مثالی که برای حکومت بدون وجود نظارت لفظی بیان شده است ، هم نظارت لفظی وجود دارد .

# مرحوم صدر : قوام حکومت به شارحیت

مرحوم صدر هم این مطلب مرحوم آخوند را پذیرفته اند که قوام حکومت به شارحیت است . همچنین اقسامی هم برای حکومت تصویر کرده اند که مطابق آن اقسام ، حکومت « لا ضرر » حکومت مضمونیه است . یعنی مضمون « لا ضرر » حکایت دارد از ثبوث احکامی در شرع که ضرری بودن اطلاق آن ها متوقّع است [[4]](#footnote-4) و این قاعده متعرّض آن اطلاق است .[[5]](#footnote-5)

# مختار آخوند در رابطه امارات و اصول

یک نکته در انتها این بحث باید بررسی شود و آن این است که نظر نهایی مرحوم آخوند در رابطه ی میان امارات و اصول توفیق عرفی است که اینجا فرموده اند و یا ورود که در مبحث استصحاب [[6]](#footnote-6)بیان کردند ؟ به نظر می توان به تبع مرحوم مشکینی [[7]](#footnote-7) اینگونه گفت که نظر آخوند در مورد رابطه استصحاب و امارات ورود است ؛ زیرا نقص به اماره نقض به سبب شک نیست ، اما در مورد سایر اصول شرعی قائل به توفیق عرفی هستند زیرا نسبت به مانند برائت مطابق مبنای مختار مرحوم آخوند ، اماره علم نیست پس رافع موضوع آن نمی باشد و مجوّزی برای قول به حکومت یا ورود وجود ندارد .

# استثناء سوم از تعارض : جمع عرفی

مرحوم آخوند بعد از بحث تفصیلی در توفیق عرفی ، به تکمیل سیر کلی بحث پرداخته و فرموده اند موارد جمع عرفی هم به دنبال موارد حکومت و توفیق عرفی ، خارج از بحث تعارض اند . ضابطه جمع عرفی آن است که یک دلیل در دلالت خود أقوی از دلیل دیگر باشد و موجب تصرّف در آن شود . دلیل خروج آن از بحث تعارض هم چنین است که بعد از تصرّف دلیلی که أظهر و یا نص است در دلیل دیگر ، تنافی در مقام احتجاج باقی نمی ماند و موضوع تعارض منتفی می شود . [[8]](#footnote-8)

یک مثال جمع عرفی جمع موضوعی مانند تخصیص و تقیید است ، مثال دیگر آن هم جمع حکمی است مانند انضمام نصِّ در ترخیص به امر که موجب حجیّت آن در استحباب است . فارق جمع عرفی با حکومت هم آن است که این جمع در ناحیه مراد جدی است ، بر خلاف حکومت که در مراد استعمالی رخ می دهد .

# ملاک تقدیم در جمع عرفی : قرینیت

به نظر ایشان ملاک تقدیم یکی از ادله بر دیگری به هنگام جمع عرفی ، أقواییت در دلالت است ؛ مرادشان از لفظ «قرینیت» هم همین مطلب است . اما مرحوم خویی و تبریزی در این موارد « قرینیت » را ملاکی مستقلّ به اقتضاء متفاهم عرفی و در مقابل أقواییت می دانند[[9]](#footnote-9) ، این واقعیت همان قرینیت نوعیه در کلام مرحوم صدر است . [[10]](#footnote-10)

# موارد تعارض مستقرّ

در مقام دوم صاحب کفایه به بیان مصادیق تعارض مستقر پرداخته اند و آن را محدود به حالاتی دانسته اند که تنافی میان حجیت دو دلیل وجود داشته باشد . این حالت خود دو تعیّن دارد : موردی که علم به کذب [[11]](#footnote-11) یکی از دو دلیل متنافی داریم ، و موردی که جمع میان دو متنافی تبرعّی باشد [[12]](#footnote-12) هر چند علم به کذب یکی از آن ها نداریم ، شاهد این عدم علم به کذب هم آن است که در مانند « ثمن العذره سحت » و « لا بأس ببیع العذره » این امکان وجود دارد که دلیل سومی یکی یا هر دو دلیل را مقیّد کند و موجب رفع تنافی شود . پس آن چه نمی تواند مورد تعبّد قرار گیرد مفاد اطلاقی دو دلیل است اما تعبّد به صدور آن ها به صورت اجمالی مانعی ندارد هر چند در مقام عمل پیامدی ندارد و تحیّر مکلّف بر طرف نمی شود . به هر حال ضابطه تعارض مستقرّ آن است که دلیل حجیت نمی تواند شامل هر دو شود حال یا به دلیل علم به کذب یکی از آن ها ، و یا به دلیل لغویت تعبّد به هر دو . بله در دسته ی دوم گاهی دو دلیل می توانند برای نفی اماره سومی به کار روند و با همین کارکرد ، از لغویت خارج شوند ؛ اما چنین فایده ای محدود است .

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص438.](http://lib.eshia.ir/27004/1/438/) [↑](#footnote-ref-1)
2. . این توضیح حکومت اماره بر اصل شرعی موافق را دربر نمی گیرد،مگر این که بگوییم مفاد دلیل اعتبار «نفی مطلق احتمال» است و نه صرفا «الغاء احتمال خلاف .» ( مقرّر ) [↑](#footnote-ref-2)
3. . مصباح الأصول : 349 / 2 ، فوائد الأصول : 712 / 4 ، نهایه الدرایه : 319 / 3 [↑](#footnote-ref-3)
4. . باید توجه کرد جعل حکمی که منحصر در مورد ضرر باشد ، متوقّع از شارع نیست . [↑](#footnote-ref-4)
5. . [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج6، ص342.](http://lib.eshia.ir/13064/6/342/) [↑](#footnote-ref-5)
6. . [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص429.](http://lib.eshia.ir/27004/1/429/) [↑](#footnote-ref-6)
7. . کفایه الأصول با حواشی مشکینی : 131 / 5 . البته این تفصیل مختار خود مرحوم مشکینی است و آن را نسبت به مرحوم آخوند نداده اند . ( مقرّر ) [↑](#footnote-ref-7)
8. . [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج1، ص439.](http://lib.eshia.ir/27004/1/439/) [↑](#footnote-ref-8)
9. . [دروس فی مسائل علم الاصول، جواد تبریزی، ج3، ص227.](http://lib.eshia.ir/86749/3/227/) [↑](#footnote-ref-9)
10. . [بحوث فی علم الأصول، السید محمد باقر الصدر، ج6، ص343.](http://lib.eshia.ir/13064/6/343/) [↑](#footnote-ref-10)
11. . مراد از کذب ، مخالفت با واقع است ، پس مانند صدور تقیه ای را هم در بر می گیرد . [↑](#footnote-ref-11)
12. . ایشان عنوان « جمع تبرّعی » را ذکر نکرده اند ، بلکه به بیان واقعیت آن پرداخته اند . [↑](#footnote-ref-12)